

داستان زندگی البو کرک

دریانورد و سردار بزرگ پرتغالی

پس از جنگهای صلیبی در قرن سیزدهم مسیحی و ۴۹۰ تا ۶۶۹ هجری قمری چون راه تجارت از مدیترانه بخلیج فارس زیر نفوذ اعراب قرار گرفت و مارکوپولو اطلاعاتی شکفت از مردم و منابع آسیای بگوش اروپائیان رسانید، پادشاهان کشورهای اروپا آرزو مند برقراری تجارت با کشورهای آسیائی و باز کردن راه ارتباط با مرکز آسیا و کوتاه کردن دست تجار عرب و جلو گیری از نفوذ اسلام در این نقاط شدند و در دل دریا نوردان اروپائی شوری برای پیدا کردن راههای تازه و کشف نقاط مجهول پیدا شد.

آلفونسو آلبو کرک^۱ در ۱۴۵۳ مسیحی در دهی زیباموسوم به «الحمرا» واقع در نزدیکی لیسبون پایتخت پرتغال بدنیا آمد. در کودکی همبازی پسران پادشاه بود و یکی از ایشان در سال ۱۴۸۱ پادشاهی رسید و به «ژون کامل^۲» معروف گردید. مردم پرتغال در مسیحیت متعصب بودند. این پادشاه نیز کینه مسلمانان و آرزوی کوتاه کردن دست ایشان از تجارت آسیا را در دل داشت و چندین کشتی بزرگ بظرفیت بیش از یکصد تن ساخت و «بار تولومی دیاز^۳» را در سال ۱۴۸۶ بطرف هندوستان روانه کرد و او از دماغه امیدواری گذشت ولی به هندوستان نرسیده مجبور بیاز گشت شد. سپس بسال ۱۴۹۸ مسیحی واسکودا گاما^۴ را مامور سیاحت هندوستان کرد و قبل از حرکت او خود در گذشت. واسکودا گاما از همان راهی که دیاز رفته بود خود را به هندوستان رسانید و راه ایجاد مستعمرات پرتغال را در آسیا باز کرد و سال بعد پرتغال باز رفت. بار دیگر بسال ۱۵۰۲ به هند سفر کرد و قطعی را در سواحل غربی آنکشور به مستعمرات پرتغال افزود.

آلبو کرک ریاضیات خواند و فنون دریانوردی فرا گرفت و مایل بسفر هم بود اما متناسب ماموریتی نیافت و چون «دم مانول»^۵ بجای ژون کامل بتخت شاهی پرتغال نشست سیاست سلف خود را تعقیب کرد حتی عنوان «خداوند کشتی رانی و فتح و تجارت هندوستان و حبشه و عربستان و ایران» بر خود نهاد و حاجت دریانوردان کارآموزده پیدا کرد. پس در سال ۱۵۰۳ آلبو کرک را نیز که در آنوقت پنجاه سال داشت مامور هند کرد. آلبو کرک خود را بکوچین^۶ واقع در ساحل غربی رسانید و در آنجا مدتی ماند و قلعه ای ساخت که مرکز اداره پرتغالیان در آن کشور شد. بار دوم بسال ۱۵۰۶ باشش کشتی به معاونت ملاح معروف «تریستان دا کونها^۷»

1 - Alfonso D'Albuquerque - 2 John The Perfect - 3 Bartholomew Dias - 4 Vasco da Gama - 5 Dom Manoel - 6 Cochin - 7 Tristan da Cunha



آلبوكرک

از نقاشی که در گوا محفوظ است

که یازده کشتی در اختیار داشت روانه
 مرکز آسیا شد. پس از مدتی بموزامبیک
 رسیدند و بین ایشان اختلاف پیدا شد.
 دا کونهایمخواست بکشف مناطق جدید
 بردازد و آلبو کرک مایل بتأسیس
 مراکز تجارت با پرتغال بود. آخر
 آلبو کرک باش کشتی خود متوجه
 جزیره هرمز گردید. جزیره هرمز در
 مدخل خلیج فارس واقع است و تصرف
 آن بمنزله دست یافتن بر تمام خطوط
 تجارتی خلیج بود. مارکو پولو جهانگرد
 و نیز بی تعریف بسیار از این جزیره کرده
 بود و در باره آن می گفتند اگر دنیا
 حلقه انگشتری باشد هرمز نگین آنست.
 آلبو کرک مسقط و برخی دیگر از بنادر
 عمان را بتصرف در آورد و در برابر
 جزیره هرمز لنگر انداخت. امیر
 هرمز سیف الدین نام کودکی دوازده
 ساله و خراجگزار پادشاه ایران بود
 و مردی دلیر و کاردار بنام خواجه عطار
 نیابت سلطنت را داشت. خواجه عطار
 ۴۰۰ کشتی و ۲۵۰۰ سپاهی بسیج کرد

و آلبو کرک فرمان حمله داد. برخی
 از ناخدایان او بیمناک شدند و عصیان

نمودند. آلبو کرک ترسی بخود راه نداد و مقاومت کرد. از مذاکرات او بانا خدایان عاصی
 اطلاعی در دست نیست. قدر مسلم آنست که ناخدایان بلافاصله خواستار عفو و حاضر باطاعت
 او امر او شدند. حمله آلبو کرک بموقعیت انجامید اما قلعه بدست پرتغالیان نیفتاد. امیر
 پنجهزار اشرفی غرامت پرداخت و تعهد کرد همه ساله پانزده هزار اشرفی بدولت پرتغال
 خراج بدهد و مقرر شد کشتی های تجارتی بدون اجازه ماموران پرتغالی در خلیج فارس بتجارت
 نپردازند. آلبو کرک در نقطه ای از جزیره موسوم به «مورونا» قلعه ای مستحکم ساخت
 و نیز مرکز برای امته پرتغالی تاسیس کرد. اندکی پس از مراجعت او زهر مزامیر پیغام فرستاد
 که پادشاه ایران شاه اسماعیل خراج معمول را خواسته است. آلبو کرک جواب داد امیر هرمز

را حق آنکه جز پادشاه پرتغال بدیگری خراج دهد نیست و مقداری گلوله و باروت فرستاد تا امیر آنها را بجای خراج نزد پادشاه ایران فرستد. در این هنگام چند تن از ناخدایان ناراضی بکوچین گریختند و شکایت از آلبو کرک نزد «آلمیدا» نایب السلطنه پرتغال بردند و اورا متهم بسخت گیری و شتابزدگی و طمع و کودنی کردند. اتفاقاً آلمیدا نیز از آلبو کرک خوشنود نبود و میدانست که آلبو کرک ماموریت محرمانه یافته است که پس از سه سال او را معزول کند و بجای او نشیند. آلمیدا ۱۹۶ اتهام بر علیه او اقامه کرد و چون آلبو کرک وارد کوچین شد او را بزندان انداخت. چندی نگذشت یکی از منسوبان آلبو کرک که فرماندهی لشکریان پرتغال را داشت وارد کوچین شد و آلمیدا را برداشت و آلبو کرک را «فرمانفرما و دریا سالار مشرق» برگماشت. از آنجائیکه آلبو کرک از اشراف^۲ نبود لقب نایب السلطنه باو داده نشد. چون باین مقام رسید دشمنان و مدعیان خود را بخشید و جنازه ناخدائی را که بیش از دیگران با او مخالفت کرده بود تشییع کرد و هزینه کفن و دفن او را پرداخت.

بزرگترین موفقیت بسال ۱۵۱۰ نصیب آلبو کرک شد و آن فتح بندر «گوا» واقع در جنوب کوچین بود. در این جنگ آلبو کرک بسا همراهانش در محاصره واقع شدند و سه ماه بسخت ترین وضع دچار بودند. دشمن از راه خشکی حمله میکرد و راه دریا نیز بواسطه طوفانهای بی درپی بروی ایشان بسته بود. غالب همراهانش ناامید شدند ولی او پایداری کرد. آخر دریا آرام شد و آلبو کرک بکشتی های خود دسترس یافت. و از کوچین کمک باورسید و او بالشکریانش بیای جان ایستاده جنگیدند و شهر را گرفتند. گوا مرکز مهم حکومت و تجارت پرتغال شد و هنوز هم در تصرف آندولت میباشد.

در سال ۱۵۱۱ آلبو کرک عزم گرفتن مالاکارا کرد. مالاکاشهری باشکوه و مرکز تجارت و نفوذ کشورهای عربی و دارای یکصد هزار جمعیت بود. تقریباً دو سال قبل از آن یکی از دریانوردان پرتغالی بقصد تجارت بساحل مالاکا پیاده شده بود و مردم آنجا بر علیه او طوطه کرده یکی از ناخدایان و چند تن از مردان او را گرفته بزندان انداخته بودند. آلبو کرک آزادی ایشان را از «محمود» امیر آنجا خواست. امیر اغثنائی ننمود و چند هزار مرد جنگی و تیرانداز و چند فیل جنگی و توپ و سلاحهای دیگر تجهیز کرد. لشکریان آلبو کرک از حیث شماره کم ولی از حیث تربیت و سلاح برتر بودند و حمله کردند. مسلمانان در دریا و ساحل و خیابانهای شهر جنگیدند و عاقبت متفرق شدند و امیر محمود بکوههای شمال پناهنده شد. آلبو کرک برجی در آنجا ساخت و نام آنرا «مشهور»^۳ نهاد که خرابه های آن هنوز باقی است و نظم و آرامش برقرار کرد. هنگام بازگشت به بندر ساحل سوماترا کشتی او شکست و بسیاری از ذخایر بیکه از مالاکا آورده بود غرق شد.

در سال ۱۵۱۳ از طرف پادشاه پرتغال باو دستور رسید که بتسخیر عدن و باب المندب رود و راه دریای سرخ را بروی کشتی های پرتغالی باز کند. آلبو کرک بایست کشتی بزرگ

و ۲۵۰۰ سپاه بجانب عدن رفت و کاری از پیش نبرده باز گشت. در سال ۱۵۱۵ با بیست و شش کشتی و ۲۳۰۰ مرد جنگی بطرف هرمز حرکت کرد. در راه باو خبر رسید که رئیس احمد نماینده پادشاه ایران در مسقط جزیره را تصرف کرده است. آلبو کرک جزیره را گلوله باران کرد. رئیس احمد از در صلح درآمد و سپاهیان پرتغالی بر شهر دست یافتند و پرچم پرتغال بر فراز قلعه هرمز افراشته شد.

صحت آلبو کرک در نتیجه زحماتی که متحمل شده بود رو بخرابی گذاشت و در این موقع خبر یافت که حاسدان ظن پادشاه پرتغال «دم مانول» را نسبت باو مشوب کرده اند. در ۱۵ دسامبر ۱۵۱۵ مطابق ۹۲۱ هجری بالای کشتی در نزدیکی گوا جان بجان آفرین تسلیم کرد. هنگام مرگ گفت «بهتر است بروم» و آرزو کرد که پادشاه نسبت بفرزندش عطفوت فرماید. جسد او را بگوا بردند و بیخاک سپردند. دوست و دشمن و مسلمان و هندو جنازه او را تشییع کردند زیرا که صفات عالیه اش مورد ستایش عموم طبقات بود. آلبو کرک مردی شجاع و پردل و طرفدار عدل و حقوق مساوی برای مردم شرق بود. همراهان خود را بر رفتار دوستانه با مردم آسیا تشویق میکرد. دوستان هندویش پس از مرگ او گفتند آلبو کرک نمرده است بلکه خدایان او را برای انجام مهمی نزد خود خواسته اند. نزد دشمنان بشیر دزدان دریائی معروف بود. هموطنانش او را خدایانند چنگ نامیدند و او را حافظ منافع پرتغال در هند میدانستند و بهمین جهت تا پنجاه سال جسد او در گوا ماند و پس از آن به لیسبون انتقال یافت.

امروز از امپراطوری که آلبو کرک طرح آن را ریخت فقط بندر گوا باقیست. پرتغال بواسطه کمی جمعیت و نداشتن منابع ثروت نتوانست در مقابل رقبای خود ایستادگی کند. در ۱۶۱۲ و ۱۶۱۵ مسیحی بحریه پرتغال در نزدیکی بندر سورت از نیروی دریائی بریتانیا شکست خورد. اما متلیخان والی فارس بامر شاه عباس بزرگ، بحرین را در ۱۰۱۰ هجری قمری و بندر گمبرون مرکز استحکامات پرتغالیان را در ۱۰۳۲ و جزیره قشم را در ۱۰۳۱ از ایشان گرفت. سپس بکمک نیروی دریائی انگلیس و پس از ۷۰ روز چنگ در ۹ جمادی الثانیه ۱۰۳۱ موافق ۱۲ آوریل ۱۶۲۲ جزیره هرمز را تصرف کرد و بیرق دولت پرتغال که یکصد و هفت سال بر فراز قلعه «آلبو کرک» در اهتزاز بود فرو آورده شد. مدافعان سرسخت قلعه هلاک یا اسیر شدند و «محمود» امیر هرمز بشیر از فرستاده شد. اما نام آلبو کرک بواسطه دلاوری و داد و دهش او همه جا و همه وقت با احترام یاد میشود.

الترجمه از «مردان نامی» تالیف ج. ب. نیلیس

